

فاصله‌ها در کجاست

محمد محبوبی
روزنامه‌نگار

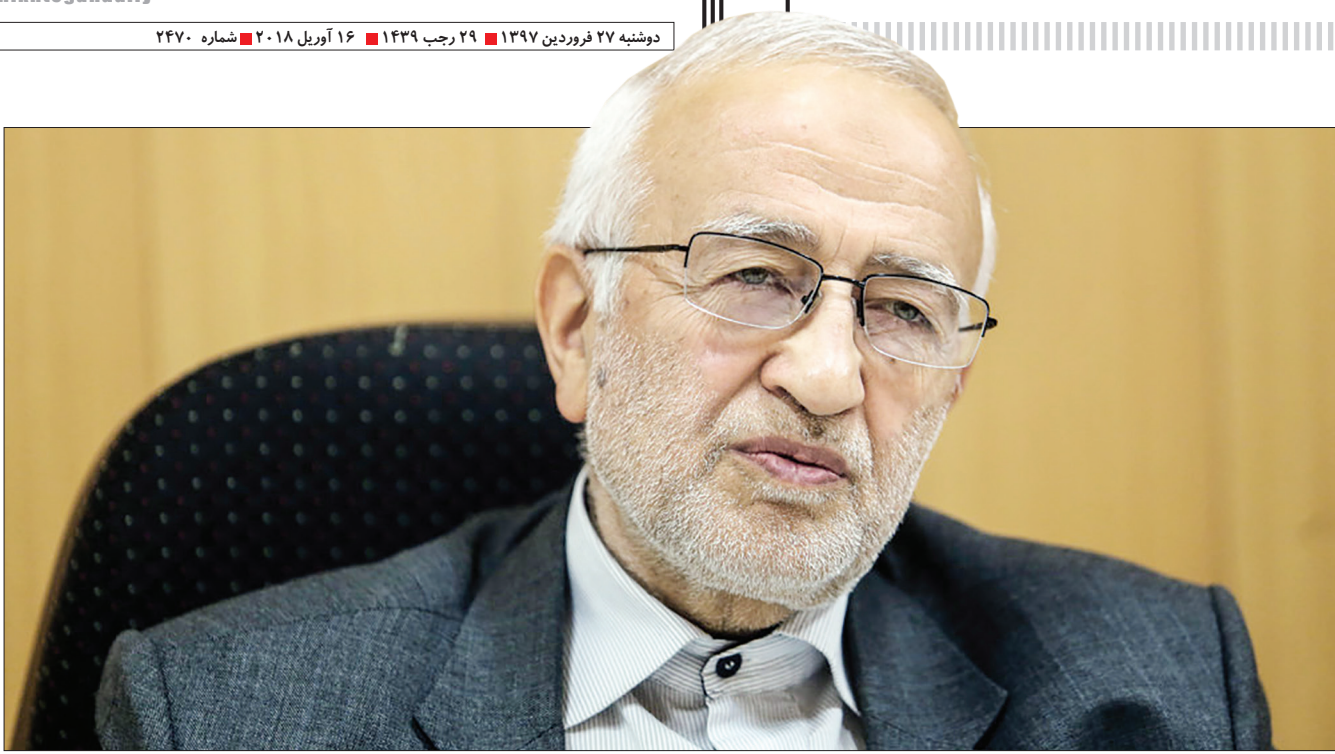
«شما آقایان و بعضی از خواهرهایی که اینجا هستند... خیلی از شماها از اوایل انقلاب در میدان فعالیت‌های انقلابی بوده‌اید، یعنی دهه ۶۰ را به خوبی درک کرده‌اید. یادتان هست احساسات خودتان در آن دهه را؟ یادتان هست رفتار خودتان در آن دهه را؟ یادتان هست بی‌اعتنایی به مال را که در آن دهه داشتید؟ اهتمام به خدمت را که در آن دهه داشتید؟ یادمان می‌رود؛ این اشکال کار است.» اینها بخش‌هایی از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار برخی از مسئولان و کارگزاران نظام با ایشان است که در روز ۲۰ فروردین ماه صورت گرفت. حضرت آیت‌آ... خامنه‌ای به مسئولان توصیه کردند به ارزش‌های دهه ۶۰ بازگردند؛ ارزش‌هایی که به مرور زمان و به «تدریج» از آنها فاصله گرفته‌اند و اکنون نیاز به آبادانی و «تعمیر قلب» بیش از پیش احساس می‌شود.

رجوع به حافظه تاریخی ملت ایران، یادآور مفاهیم اسلامی گران سنگی است که در فضای اجتماعی جامعه ایران در دهه ۶۰ به‌عنوان «ارزش» تلقی می‌شدند و عبور از آنها به قدری قبیح بود که اگر مسئولی هم می‌خواست آنها را نادیده بگیرد، نگاه سنگین دیگران این اجازه را به او نمی‌داد. این مفاهیم از روزهای انقلاب اسلامی، تعلیمات امام خمینی (ره)، سقوط رژیم شاهنشاهی پهلوی و سرنگونی ارزش‌های سرمایه‌داری به ارث رسیده و در فرد فرد مردم ایران رسوخ کرده بود.

در مسائل اقتصادی، مفاهیمی همانند ساده‌زیستی، روگردانی از دنیا و دنیاطلبی، پرهیز از تجمل‌گرایی و... جملگی ارزش‌هایی بودند که نه تنها در عموم مردم، بلکه در سربان کشور و مقامات و مسئولان هم مراعات می‌شدند. زندگی شخصی مسئولان آکنده از اشرافیت و تجمل نبود، خطبه‌های نماز جمعه شهرها سرشار از تبلیغات ساده‌زیستی و مبارزه با دنیاطلبی بود و متقابلا جامعه نیز پذیرای این ارزش‌ها بود.

به «تدریج» و با گذشت حدود ۳۰ سال از دهه ۶۰، این ارزش‌ها متحول و منقلب شدند؛ حرمت بی‌توجهی به دنیا، قدرت‌طلبی، منفعت‌خواهی، فساد اقتصادی و اشرافی‌گری رفته‌رفته از بین رفت و با توجه‌بها و بهانه‌های مختلف، این رفتارها در میان مسئولان رخ جلوه کرد. در دهه ۷۰ تجمل‌ و تشریفات در روزتخانه‌ها و حتی زندگی شخصی مسئولان زودتر از دیگر قیچ‌ها شکسته شد و به تدریج، آمار رابطه‌سالاری و انواع رانت‌ها و فسادهای اقتصادی بالا رفت. کار به جایی رسید که در دهه ۹۰، حقوق‌های نجومی و غیرمتعارف در آرای مقامات کشور توجیه‌پذیر شد و اختلاس، فساد مالی، بدهی معوقه و... پدیده‌هایی فراگیر شدند.

در بعد سیاسی‌سی نیز تحولات چشمگیری در طول سه دهه به وقوع پیوست و بعضا مواضعی از سوی مسئولان دهه ۹۰ صادر می‌شود که در نقطه مقابل ارزش‌های دهه ۶۰ و آرمان‌های انقلاب اسلامی قرار دارد. به‌عنوان نمونه، طرح مسائلی همچون اسلام‌رحمانی و صلح کل در نقطه مقابل آموزه‌های امام خمینی (ره) در دهه ۶۰ قرار دارد؛ آموزه‌هایی که سیاست‌های جمهوری اسلامی بر آنها استوار بود و منتج به پیاده‌سازی «اشداء علی الکفار رجماء بینهم» در مناسبات بین‌المللی می‌شد. مساله تعامل و همکاری با آمریکا یکی دیگر از مسائلی است که در سال‌های دهه ۹۰ از سوی دولتمردان مطرح می‌شود، در حالی که یکی از اصلی‌ترین خطوط قرمز دهه ۶۰ بود. این مساله، فراتر از مذاکرات برجام است، بلکه دیدار مقامات سیاسی دو کشور در عالی‌ترین سطوح، مذاکره بر سر مسائلی فراتر از انرژی اتمی و حتی زمزمه‌های راه‌اندازی خط تهران-واشنگتن را نیز دربر می‌گیرد. معضل توجه به افکار کم‌درآمد و عدالت اجتماعی هم از مسائلی است که در آنها تغییر نگرش محسوسی در مسئولان در گذر سال‌ها مشاهده می‌شود. مشابه این عقیدگردها در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز کم و بیش به چشم می‌خورد. اکنون زمان بازگشت از مسیر اشتباه فراسیده است؛ مسئولان باید به سوی ارزش‌های اسلامی سال‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس بازگردند و مدیریت کشوری را براساس آموزه‌های امام خمینی (ره) دنبال کنند. این اصلاح هم در زندگی فردی و هم در مشی‌مدیریتی مقامات باید جلوه یابد و تداعی‌کننده حکومت انقلابی دهه ۶۰ باشد.



مرتضی نبوی از ویژگی‌های مدیریتی سال‌های آغاز انقلاب می‌گوید

سیره شهید رجایی، شاخص مدیران دهه ۶۰



گفت‌وگو

رهنمودهای هفته گذشته رهبر معظم انقلاب به جمعی از مدیران در دیدار نوروزی با آنها در خصوص اقتدا به سیره مدیریتی‌ای که در دهه ۶۰ به آن عمل می‌شد ما را بر آن داشت تا سراغ سید مرتضی نبوی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام برویم. حرف‌های او را در این باره بشنویم. نبوی که سابقه وزارت پست، تلگراف و تلفن را در کارنامه دارد از جمله معدوم‌مدیرانی است که شاخصه‌های

مورد اشاره رهبر انقلاب را به خوبی می‌توان در او مشاهده کرد. مدیری ساده‌زیست که به‌رغم داشتن سابقه وزارت و مسئولیت، همچنان در یکی از مناطق جنوبی تهران ساکن است و به سبب هم‌قطارنش در دهه ۶۰ زندگی می‌کند. مدیر مسئول روزنامه «سالت» را شاید خیلی‌ها به‌عنوان چهره‌ای حزبی و جناحی بشناسند، اما اندکی آشنایی با نحوه حشر و نشر او در عالم سیاست و خارج از آن نشان می‌دهد حال او با گذشته‌اش چندان تفاوتی نکرده است. متن زیر گفت‌وگوی «فرهبتگان» با این سیاستمدار قزوینی است.

۱۱

به اعتقاد شما ماهیت سبک مدیریتی مدیران جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ چگونه بود و حامل چه خصوصیات و ویژگی‌هایی بود؟

اسلام یک روش تربیتی دارد و آن هم معرفی الگو است که قرآن بیان می‌دارد. پیامبر خداوند الگویی بود و باید از رفتار ایشان سرمشق گرفت و تبعیت کرد. الگوی برجسته دهه ۶۰ را می‌توان شهید رجایی معرفی کرد که بنده این توفیق را داشتم در دوران دبیرستان شاگردش باشم. ایشان قبل از انقلاب دبیر ریاضی ما بودند و همان زمان هم انسانی وارسته و با نفسی مطمئن بود و رفتار و کردار او نوع درس دادن و تعامل ایشان با دانش‌آموزان الگو بود؛ همان‌طور که سیره حکومتی‌اش هم برای ما الگو بود.

یکی از ویژگی‌های شهید رجایی که رفتار و منش

ایشان از آن سرچشمه می‌گرفت، این بود که شخصیتی قرآنی بودند. قرآن کاملا در زندگی ایشان بروز و ظهور داشت و الگوی قرآن و سیره نبوی بود. در سخنرانی‌ها این امر معمول و در عمل هم پایبند بود.

شهید رجایی شیفته خدمت بود و برای خدمت به اسلام و ملت جان خود را گذاشت. او یکی از کسانی بود که در دوران رژیم طاغوت شش‌کنجه‌های زیادی شد و اسرار زیادی از مبارزان با نظام در ذهن داشت. رجایی‌ای که سر کلاس دیدیم- که به سال‌های ۴۵-۴۶ بازمی‌گردد- با کسی که بعدها در یکی از دبیرستان‌های تهران دیدم، رجایی‌ای که از زندان آزاد شد و در آستانه پیروزی انقلاب دیدیم با کسی که در مدرسه رفاه ستاد استقبال از امام (ره) بود، رجایی‌ای

که کفیل آموزش و پرورش شد با کسی که نخست‌وزیر و رئیس جمهور شد، نه تنها تغییری نکرد بلکه تواضعش بیشتر هم شد.

به‌طور مثال زمانی چیزی به ذهنم می‌رسید که به‌عنوان مشورت به ایشان منتقل کنم. ایشان نخست‌وزیر بود و من به دفترش زنگ زدم اما حضور نداشت. بعد از مغرب تلفن زنگ زد و دیدم خود آقای رجایی تماس گرفت و

از من پرسید که چه کاری داشتید؟ چنین سیره‌ای داشت. تکلیف برای آقای رجایی نبود و با تمام وجود سیره او بود و اعتقاد داشت مانند مردم باید زندگی کند. زمانی که ایشان در زندان بود ما با خانواده‌اش رفت‌وآمد داشتیم و یکی از جاهایی که اعلامیه حضرت امام (ره) به صورت انبوه تکثیر می‌شد، منزل ایشان بود. به یاد دارم وقتی از زندان آزاد شد و ما به منزلش که در یکی از کوچه‌های خیابان شهدا نزدیک خیابان ایران بود رفتیم، ایشان وسیله و سوختی برای گرم کردن خانه نداشت و پتوی مندرسی را آورد و قسمتی را روی پای خود و قسمتی را روی پای من کشید که سرما اذیت نکند.

این موضوع برای چه زمانی است؟ این در آستانه پیروزی انقلاب بود و ملت زندانیان سیاسی را آزاد کرده بودند. شهید رجایی عین همین روحیه و منش را در زمان بعد از انقلاب هم داشت. رجایی رئیس‌جمهور با آن کسی که دبیر بود هیچ تفاوتی نداشت و تنها قدری اخلاص و تواضعش بیشتر شده بود و توجهش به مردم بیشتر بود.

مصادیق دیگری از این جنس مدیریت در ذهن دارید؟

اوایل انقلاب من در سپاه بودم و آن زمان کسی که وارد سپاه می‌شد خجالت می‌کشید صحبت از حقوق کند. ماه‌ها می‌گذشت و خیلی‌ها اصلا حقوق دریافت نمی‌کردند. حقوق‌ها هم ماهی دو تا سه



رجایی‌ای که سر کلاس دیدیم با رجایی‌ای که از زندان آزاد شد و در آستانه پیروزی انقلاب دیدیم با کسی که در مدرسه رفاه ستاد استقبال از امام (ره) بود، رجایی‌ای که کفیل آموزش و پرورش شد با کسی که نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور شد، نه‌تنها تغییری نکرد بلکه تواضعش بیشتر هم شد

هزار تومان بود. بعد که ما وارد دولت و وزیر شدیم حقوق‌ها هفت هزار تومان بود. چنین شرایطی حاکم بود و همه در آن زمان شیفته خدمت بودند. محل کار در فکر قائل شدن این‌گونه نبود که از بدو ورود به مزایا برای خود باشند.

اما بعد از دفاع مقدس صحنه تغییر کرد و مدیران برای خود استاندار و مدیر تعریف کردند و گفتند اتاق مدیر باید چنین باشد و دُکور چنان باشد

و باید از مزایایی برخوردار باشد. در زمان دفاع مقدس و اوایل انقلاب همه مسئولان سعی داشتند هر چه بیشتر به افراد و مناطق محروم خدمت کنند. شهید دکتر قندی که قبل از من وزیر بود یکی از این نمونه‌ها به‌شمار می‌آمد. مبنای ایشان این بود که خدمتی که پست و مخابرات انجام می‌دهد به هر منطقه‌ای که محروم‌تر است در اولویت باشد. به‌طور کلی تا سال‌ها بحث رعایت عدالت اجتماعی در توزیع منابع بود؛ اینکه مناطق محروم از محرومیت خارج شوند. درست برعکس آن چیزی که در زمان طاغوت بود و چند شهر مانند تهران را رسیدگی می‌کردند و بقیه کشور تقریبا رها شده بود.

برجسته‌ترین این مصادیق نیز مقام معظم رهبری است. ایشان هم هرچه مقام‌شان بالا رفت تقوای‌شان زیادتر شد و نسبت به اینکه تصرف در بیت‌المال نشود اهتمام داشت. بنده مرحوم عسگراولادی را نیز به یاد دارم، ایشان هم از جمله کسانی بود که شیفته خدمت بود. حتی جمعه‌ها هم در دفتر کمیته امداد می‌نشست که اگر گرفتاری هست بتواند به‌طور مستقیم با او ارتباط برقرار کند. برخلاف آنچه شایعه می‌کردند ایشان سرمایه‌دار است، زندگی ساده‌ای داشت و همه عمر خود را در خدمت مردم بود. از مسئولان امروز نیز می‌توان آقای تولگی را نام برد. ایشان هم از جمله کسانی است که مسائل را رعایت می‌کند و زندگی ساده‌ای دارند. از میان دوستانی که در مجموعه اصلاح‌طلبان تعریف می‌شوند آقای مسجدجامعی هم چنین ویژگی‌هایی دارند.

فراموشی مورد اشاره رهبری محصول چه فرایندی است؟ چه اتفاقی افتاد که این ارزش‌ها از یاد رفت؟

مقام معظم رهبری زمانی تعبیری داشتند که فکر می‌کنم مربوط به اوایل دوره رهبری ایشان است. ایشان هشدار دادند مراقب باشید چرب و شیرین زندگی زیر دندان شما نرود. زمانی شرایط و فضای دفاع مقدس بود و مرسوم نبود کسی دنبال چرب و شیرین زندگی باشد و هر کسی سعی داشت بیشتر خدمت کند. ما وزیر بودیم و مرتب در شهرها و استان‌های مختلف می‌چرخیدیم و از نزدیک اوضاع را رسیدگی می‌کردیم. بعد از پذیرش قطعنامه اندک اندک شرایط که عادی شد یکباره طیف کسانی که سابقه انقلابی داشتند ولی تغییر حالت دادند و گرایش به این داشتند که از امتیازات پست‌ها استفاده کنند به‌طور روزافزونی گسترده شد. همان‌جا بود که در دوران سازندگی فاصله محسوسی بین کارگزاران و مردم ایجاد شد که همین باعث شد یک‌سری آرا‌زایی‌های اجتماعی در برخی شهرها ایجاد شود. به هر ترتیب عدالتی که انقلاب تعریف کرده بود با وضعیت و فاصله و شکافی که بین کارگزاران و مردم ایجاد شده بود به کلی در تضاد بود. علت همین بود که عمده مدیران از شرایط دفاع مقدس فاصله گرفتند و اندک اندک آن‌ها که تربیت علوی در آنها نهادینه نشده بود، گرایش پیدا کردند به اینکه از مزیت شغل، پست و کارگزاری خود استفاده کنند.

فضایی که امروز وجود دارد به‌گونه‌ای است که احتمالا خود را بر تعداد زیادی از مدیران تحمیل می‌کند و اگر هم کسی بخواهد به آن سیره دهه ۶۰ عمل کند تحت الشعاع این امر قرار می‌گیرد. یک مدیر چطور می‌تواند بر این فضا غلبه پیدا کند؟

همین بحث الگوهاست. در صدر اسلام وقتی رزمندگان از یک جهاد جنگ برمی‌گشتند پیامبر خدا می‌فرمود بر شما باد جهاد اکبر! یعنی این جنگ، جنگ بزرگ‌تری را به همراه دارد که منظور همان جهاد نفس است و اینکه خواسته‌های نفس را بخواهید کنترل کنید. الگوی ائمه و الگوی حضرت علی (ع) و شیوه زمامداری ایشان وصیحت‌هایی که در نهج البلاغه وجود دارد در دسترس است. اینکه مردم احساس نکنند مشکلاتی که دارند برای آنهاست و مسئولان مانند مردم زندگی کنند. در زمان خودمان حضرت امام (ره) در اوایل انقلاب و زمان کنونی مقام معظم رهبری الگو هستند. اینها باید الگو باشند. این الگوها را وقتی جلوی چشم داریم نمی‌توان گفت تحت تاثیر فضا و جو حاکم هستیم. اتفاقا مردم انتظار دارند مسئولان مانند خودشان با طبقه متوسط به پایین زندگی کنند؛ خیلی از این استقبال می‌کنند تا اینکه مسئولان بخواهند برای خود امتیازاتی قائل باشند و برعکس این آثار منفی دارد و همان احساس شکاف بین کارگزاران و مردم را تلقی می‌کنند.

درونگ

بیانات منتشر نشده رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از مسئولان و کارگزاران نظام

احتیاج به «تعمیر قلب» داریم



حس نمی‌کنید، چون تدریجی است. ما سقوط خودمان، عقبگرد خودمان را که تدریجی است، درست نمی‌فهمیم، خیلی باید دقت کنیم. این خیلی مهم است. البته یک راهی هم دارد، یعنی بی‌ا وجود اینکه تدریج بر اعمال ما و حالات ما حاکم است، این مانع می‌شود که جایگاه و موقعیت خودمان را درست تشخیص بدهیم، لکن راه دارد، معیار دارد؛ معیار این است که به عمل‌های خودمان نگاه کنیم. مثلاً فرض بفرمایید جنابعالی نگاه کنید ببینید که قبل‌ها - مثلا ۲۰ سال پیش، ۱۵ سال پیش - مقید بودید که بعد از هر دو رکعت نشسته نافله عشا را به‌جا بیاورید؛ حالا نمی‌کنید، حالا مقید نیستید- [البته] نافله شب و نوافل دیگر را عرض نمی‌کنم، [بلکه] همین دو رکعت کوچک و کوتاه را بفهمید که عقب رفته‌اید.

اگر دیدید که یک عمل خیری را در دهه

رهبر معظم انقلاب به مناسبت آغاز سال جدید، روز دوشنبه هفته گذشته (۱۳۹۷/۱/۲۰) با برخی از مسئولان و کارگزاران نظام دیدار کردند و بیاناتی کوتاه و صمیمی در جمع آنان ایراد فرمودند. در بخشی از این دیدار که گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در آن در رسانه‌ها منتشر شد، رهبر انقلاب با توجه به فضای معنوی ماه رجب، اشاراتی به فضای حاکم بر مدیران دهه ۶۰ و حال و هوای آن روزهای کشور داشتند. متن زیر بخشی از بیانات ایشان است که چند روز بعد در نشریه «خط حزباً...» منتشر شد.

«شما آقایان و بعضی از خواهرانی که اینجا هستید... خیلی از شماها از اوایل انقلاب در میدان فعالیت‌های انقلابی بوده‌اید، یعنی دهه ۶۰ را به خوبی درک کرده‌اید. [آیا] یادتان هست اتفاقات خودتان در آن دهه را؟ یادتان هست رفتار خودتان در آن دهه را؟ یادتان هست بی‌اعتنایی به مال را که در آن دهه داشتید؟ اهتمام به خدمت را که در آن دهه داشتید؟ یادمان می‌رود؛ این اشکال کار است. تدریج یکی از بلاهای ما تدریج است، یعنی به تدریج دچار یک حالتی می‌شویم... [اما] نمی‌فهمیم، پیروی خودمان را نمی‌فهمیم؛ تدریجی است. کسی را که شما ۲۰ سال است، ۲۵ سال است ندیده‌اید، حالا می‌بینید پیروی او را می‌فهمید، امرا پیروی خودتان را که تدریجی است و هر پیروی از دوست هم‌رأتان را که دائم با هم هستید، نمی‌فهمید،

شدیدترین حملات به آبادان جهت بازدید اسلامی هم عمل کنیم». دیالیمه در انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی شهید شد. از این دست مدیران البته آن روزها کم نبودند. یکی دیگرشان رئیس شهید محمدعلی رجایی بود که همواره تلاش داشت حرف و عملش در دفاع از صاحبان انقلاب یکی باشد. شهید رجایی در این باره به خاطرهای از یکی از سخنرانی‌های خود در مشهد اشاره می‌کند و می‌گوید در این برنامه شدیداً در وصف دفاع از مستضعفان و جایگاه آنها در انقلاب اسلامی و... سخن گفتم. بعد که به میهمانسرا رفتیم سفره ناهار پهن کردند. پای سفره که نشستم انواع خوراکی‌ها روی میز به چشم می‌خورد. آنجا از خود پرسیدم که آیا تو آنچه در جمع مردم می‌گفتی راست بود یا چیزی که هم اینک عمل می‌کنی؟ اینجاست که دستور دادم رنگ و لعاب سفره کمتر شود. محمدعلی رجایی در بمب‌گذاری در دفتر رئیس‌جمهوری شهید شد.

محمدجواد تندگویان نمونه دیگری از این دست مدیران بود. وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران درست در اوج سال‌های دفاع، حضور در کارزار جنگ را به تنگ بر کرسی وزارت و خزیدن به کنج‌عافیت ترجیح داد. او که عادت نداشت پشت میز بنشیند و به امضا کردن نامه‌ها و سیاستگذاری و ابلاغ دستورات... بسنده کند تنها چند روز پس از وزیر شدنش، به مناطق نفت‌خیز جنوب رفت تا از نزدیک به بررسی اوضاع بپردازد. تندگویان هم‌زمان با سقوط خرمشهر در

گزارش

مروری کوتاه بر مصادیقی از مدیریت دهه‌شصتی

فراموش شده

و بعد برای تطهیر خود به خیلی از شعائر اسلامی هم عمل کنیم». دیالیمه در انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی شهید شد. از این دست مدیران البته آن روزها کم نبودند. یکی دیگرشان رئیس شهید محمدعلی رجایی بود که همواره تلاش داشت حرف و عملش در دفاع از صاحبان انقلاب یکی باشد. شهید رجایی در این باره به خاطرهای از یکی از سخنرانی‌های خود در مشهد اشاره می‌کند و می‌گوید در این برنامه شدیداً در وصف دفاع از مستضعفان و جایگاه آنها در انقلاب اسلامی و... سخن گفتم. بعد که به میهمانسرا رفتیم سفره ناهار پهن کردند. پای سفره که نشستم انواع خوراکی‌ها روی میز به چشم می‌خورد. آنجا از خود پرسیدم که آیا تو آنچه در جمع مردم می‌گفتی راست بود یا چیزی که هم اینک عمل می‌کنی؟ اینجاست که دستور دادم رنگ و لعاب سفره کمتر شود. محمدعلی رجایی در بمب‌گذاری در دفتر رئیس‌جمهوری شهید شد.

محمدجواد تندگویان نمونه دیگری از این دست مدیران بود. وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران درست در اوج سال‌های دفاع، حضور در کارزار جنگ را به تنگ بر کرسی وزارت و خزیدن به کنج‌عافیت ترجیح داد. او که عادت نداشت پشت میز بنشیند و به امضا کردن نامه‌ها و سیاستگذاری و ابلاغ دستورات... بسنده کند تنها چند روز پس از وزیر شدنش، به مناطق نفت‌خیز جنوب رفت تا از نزدیک به بررسی اوضاع بپردازد. تندگویان هم‌زمان با سقوط خرمشهر در

دیدار نوروزی امسال جمعی از مسئولان ارشد کشور با رهبر انقلاب قدری متفاوت‌تر از دیدارهای پیشین بود. ایشان از مدیر تراز انقلاب و روحیه مدیریت انقلابی سخن گفتند که این روزها به دری کمیاب تبدیل شده است. آیت‌آ... خامنه‌ای با یادآوری روحیه انقلابی و خدمتگزارانه حاکم بر مدیران کشور در دهه ۶۰، تأکید کردند اشکال کار این است که ارزش‌هایی چون بی‌اعتنایی به مال دنیا و اهتمام به خدمت فراموش می‌شود.

ایشان از روحیه فراموش‌شده مدیرانی گفتند که البته خیلی‌هایشان دیگر میان ما نیستند. یکی‌شان جوان ۲۰ و چندساله‌ای بود به نام عبدالحمید دیالیمه؛ جوانی که در سوومین دهه از حیات خود در جایگاه نماینده مردم خار چشم خیلی‌ها شده بود. نگاه دیالیمه به مسئولیت، آنچه این روزها به چشم می‌خورد، زمین تا آسمان متفاوت بود. در این رابطه یکی از دوستان شهید با ذکر خاطره‌ای می‌گوید: «پس از اعلام آرا و نتایج انتخابات از مشهد و رآی بالای ایشان، به محض دیدار در اولین برخورد، بی‌اختیار به او گفتم تبریک می‌گویم. یادم نمی‌رود که چهره‌اش در هم رفت و گفت مسئولیت که تبریک ندارد.» از نگاه شهید دیالیمه مسئولیت‌ها در جامعه اسلامی نه‌تنها موقعیت‌زا نیست، بلکه بیش از هر چیز محدودیت‌زا بوده و برخی رفتارها را مشکل‌تر می‌کند. به گفته او «امروز برای مردم قابل قبول نیست که ما (مسئولان) در بطن عالی‌ترین زندگی‌ها قرار بگیریم